

اسلام‌گرایی افراطی، چالشی فرا روی تمدن اسلامی^۱

محمد هادی حیدری^۲

چکیده

اسلام با آموزه‌های مترقی خویش، تمدن بزرگی به وجود آورد که در غرب و شرق جهان گسترش یافت. آموزه‌هایی چون اتحاد اسلامی، علم‌آموزی و تعقل، زندگی مسالمت‌آمیز و فرهنگ جهاد و شهادت، مهم‌ترین عوامل پیشرفت تمدن اسلامی بوده است. اما افراط‌گرایی‌ای که در زمان حاضر به صورت پروسه - پروژه‌ای در حال رشد است، یکی از چالش‌های مهم فراروی تمدن اسلامی است. افراط‌گرایان با تکفیر مسلمانان، ایجاد تفرقه، خشک‌مغزی، واژگون کردن آموزه‌های جهاد و شهادت به ترور و انتحار، باعث شده‌اند تمدن اسلامی با خطر ضعف و عقب‌ماندگی مواجه گردد. به همین علت بر متفکران اسلامی لازم است تا با تبیین ابعاد خطرناک افراط‌گرایی، مانع جذب جوانان به افراطیون گردد.

کلید واژه: افراط‌گرایی، تمدن اسلامی، بنیادگرایی، شاخصه‌های تمدن

اسلامی



اسلام‌گرایی افراطی، چالشی فرا روی تمدن اسلامی

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

۲. مقطع دکتری مؤسسه علوم انسانی، ۱۱۰@yahoo.com@mh_hadari

مقدمه

تمدن، به هر معنایی که باشد، نیازمند مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی است تا رشد کند و بتواند خود را بر جامعه انسانی عرضه نماید. یکی از تمدن‌های بزرگی که به اعتراف دوست و دشمن در پهنه گیتی به وجود آمده، تمدن بزرگ اسلامی است. این تمدن، مانند هر تمدنی نیازمند زمینه‌هایی است تا بتواند خود را در مقابل تمدن‌های بزرگ دیگر، حفظ کند و از آنان پیشی بگیرد. چالش‌های فراوانی می‌تواند فرا روی یک تمدن وجود داشته باشد که باعث زوال یا عقب‌افتادگی آن تمدن گردد. با توجه به وضع کنونی دنیای اسلام، به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های بزرگ فرا روی تمدن اسلامی، اسلام‌گرایی افراطی و اسلام‌گرایان افراطی هستند. کسانی که با فکر خود می‌توانند افکار قدرتمند و ظریف اسلام را زیر سؤال ببرند و با اعمال خود، چهره‌ای منفور از اسلام به جهانیان نشان بدهند. از پیوند افکار و اعمال آنان، مولود پلیدی به وجود خواهد آمد که با نام اسلام، تمدن اسلامی را به سوی هلاکت خواهد کشانید. تمدن اسلامی در زمان حاضر برای اینکه بتواند در مقابل تمدن‌های بزرگ دیگر، سخنی برای گفتن و توانی برای ظهور داشته باشد، باید موانع و چالش‌های فرا روی خویش را برطرف سازد. برای نیل به این مهم، شناخت موانع رشد تمدن اسلامی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که متفکران اسلامی باید به آن پردازند. به نظر نگارنده، چالش افراط‌گرایی که به صورت پروسه - پروژه‌ای در حال رشد است، یکی از موانع بزرگ رشد تمدن اسلامی است که در حال حاضر ظهور ویژه‌ای یافته است. به همین دلیل، شناخت ابعاد تأثیرگذاری افراط‌گرایی بر تمدن اسلامی و شناساندن آن به جوامع اسلامی، نیازمند تحقیقی جامع و فراگیر است.

تا آنجا که نگارنده جست‌وجو کرده، مسئله تأثیر افراط‌گرایی بر تمدن

اسلامی، به صورت مستقل تحقیق نشده است. لذا در این مقاله، از طریق تحلیل و بررسی مدارک و منابع، آثار زیانبار افراط‌گرایی بر تمدن اسلامی تبیین شده است.

سؤال اصلی پژوهش این است که افکار و اعمال اسلام‌گرایان افراطی چگونه می‌تواند تمدن اسلامی را با خطر ضعف و عقب‌ماندگی مواجه سازد؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش، باید به معنای تمدن و شاخصه‌های تمدن اسلامی اشاره شود و بیان گردد که کدام افکار و اعمال آنان، باعث فرو ریختن شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی می‌گردد.

۲. مباحث مقدماتی

الف) تعریف تمدن

تمدن، کلمه‌ای عربی است که از مدینه گرفته شده و به معنای اقامت در شهر (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص ۴۰۳)، شهرنشینی و خو گرفتن به اخلاق مردم شهر، اخلاق شهری پیدا کردن، انتقال از حالت خشونت و توحش و جهل به ظرافت، انیس و معرفت است. این واژه در مقابل بادیه‌نشینی و بربریت به کار رفته و واژه‌های المدنیه، الحضر و الحضاره در عربی، برای رساندن مفهوم تمدن به کار می‌روند. برخی تمدن را چنین تعریف کرده‌اند: «تمدن یعنی ایجاد یا رونق چشمگیر مجموعه‌ای از دانش‌ها، فنون و صنایع، با پشتوانه ایدئولوژی، برای کنترل طبیعت که نتیجه آن، پیشرفت مادی و غیرمادی جوامع و پدید آمدن نهاد اقتصادی، قضایی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی خواهد بود» (محمدی، ۱۳۹۲، ش ۵۸، ص ۲۳). ویل دورانت در تعریف تمدن گفته است: «تمدن به معنای نظامی اجتماعی است که خلاقیت فرهنگی را به ارمغان می‌آورد» (سعیدی روشن، ۱۳۹۳، ش ۱۹، ص ۶۱). ابن‌خلدون مؤلفه مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر،





جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصیبت دانسته است (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳، ش ۵، ص ۸۵). تمدن به هر معنا که باشد، دربردارنده نوعی پیشرفت، نظم، امنیت و رفاه عمومی است. می‌توان گفت که معنای عرفی جامعه متمدن، جامعه‌ای است که شهروندانش از لحاظ روحی و جسمی در امنیت به سر برند و دارای نظم اجتماعی باشد؛ درعین حال بتواند از موجودیت خود از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و نظامی به صورت مطلوبی دفاع کند. هر جامعه‌ای که بتواند این شاخصه‌ها را بیشتر در خود پرورش دهد، متمدن‌تر خواهد بود.

البته نباید فراموش کرد که مبانی فکری و انسان‌شناسی، می‌تواند نقش عمده‌ای در تعریف شاخصه‌های تمدن داشته باشد. به همین لحاظ هر تعریفی را نمی‌توان معیار تمدن دینی دانست.

از آنجاکه اسلام مستحکم‌ترین مبانی را دارد، باید دید که تعریف اسلام از تمدن چیست. در تعریف تمدن اسلامی گفته شده: «تمدن اسلامی عبارت است از تمدنی ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال در این دو بعد سوق می‌دهد» (بهنیافر، ۱۳۹۱، ش ۳۴، ص ۱۷۱). یکی از ویژگی‌های مهم تمدن، خصیصه پیشرفت است. نخستین مفهومی که از این واژه به ذهن می‌آید، پیشرفت صنعت، تکنولوژی و علم است؛ ولی دین، مفهومی وسیع‌تر مطرح کرده است. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «پیشرفت در منطق اسلام، متفاوت است با پیشرفت در منطق تمدن مادی غرب. آنها یک بعدی می‌بینند. آنها با یک جهت مادی به پیشرفت نگاه می‌کنند. پیشرفت در نظر آنها در درجه اول و به عنوان مهم‌ترین، عبارت از پیشرفت در ثروت، پیشرفت در علم، پیشرفت نظامی و پیشرفت فناوری [است]؛ پیشرفت در منطق غربی، اینهاست؛ اما در منطق اسلامی پیشرفت ابعاد بیشتری دارد: پیشرفت در علم، پیشرفت در اخلاق، پیشرفت در عدالت، پیشرفت در رفاه

عمومی، پیشرفت در اقتصاد، پیشرفت در عزت و اعتبار بین‌المللی، پیشرفت در استقلال سیاسی؛ اینها همه در مفهوم پیشرفت در اسلام گنجانده شده است؛ پیشرفت در عبودیت و تقرب به خدای متعال؛ یعنی جنبه معنوی جنبه الهی این هم جزو پیشرفتی است که در اسلام هست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ش ۴ و ۵). بنابراین از لحاظ دینی، جامعه‌ای متمدن است که از دو جهت مادی و معنوی، رو به سوی پیشرفت داشته باشد. در مباحث پیش رو به مهم‌ترین شاخصه‌های تمدن اشاره می‌گردد و تبیین خواهد شد که چگونه افراط‌گرایی موجبات تخریب آن شاخصه‌ها را فراهم آورده است.

تعریف افراط‌گرایی

افراط‌گرایی یعنی خروج از جاده اعتدال و عقلانیت و شریعت، و تکیه بر تعصبات ناروا و جمود بر عقیده و راه رسم خویشتن و باطل پنداشتن عقیده و راه رسم دیگران (بهشتی، ۱۳۹۳، ش ۱۱، ص ۴).

افراط‌گرایی، یکی از صورت‌های پدیداری بنیادگرایی است؛ اما بعدی بیش از بنیادگرایی در خود دارد که این دو را از یکدیگر متمایز می‌کند. این بعد، «خشونت» است. افراط‌گرا لقبی است که به آن دسته از افراد یا گروه‌هایی می‌دهند که به طور معمول به منظور تحمیل باورها، ایدئولوژی یا ارزش‌های اخلاقی خود به دیگران، به خشونت متوسل می‌شوند (محبوبی و دیگران، ۱۳۹۲، ش ۵، ص ۵). به بیان دقیق‌تر، افراط‌گرایی «نوعی رفتار خشونت‌گرای هدفمند است که پشتوانه بسیار قوی هویتی و ایدئولوژیک دارد و مهم‌ترین ویژگی آن، صدمه زدن به دیگران است. لذا افکار تندروانه‌ای که به اقدام منجر نشود و صرفاً در کنج اذهان پیروانش مسکوت بماند، در قالب افراط‌گرایی موضوعیت نمی‌یابد» (بیدالله‌خانی و دیگران، ۱۳۹۰، ش ۹، ص ۱۴).



یکی از عرصه‌های تجلی افراط‌گرایی، در میان فرقه‌های مذهبی است. افراط‌گرایی فرقه‌ای بر هویت انحصاری یک گروه مذهبی تأکید و تمرکز دارد و سایر گروه‌ها را اشکال ناروا یا انحرافی آن مذهب، و بنابراین مستحق خشونت می‌داند. این خشونت بر اساس تقویم مذهبی و در مکان‌ها و زمان‌های مقدس اعمال می‌شود. همچنین علاوه بر عموم پیروان یک فرقه، شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار آن فرقه، هدف این نوع خشونت قرار می‌گیرند (محبوبی و دیگران، ۱۳۹۲، ش ۵، ص ۶).

کلمه «بنیادگرایی» از نظر برخی اندیشمندان مسلمان، نسنجیده‌ترین اصطلاح، ناخوشایند، ساختگی، دارای کاربرد شیطانی و انگلی برای کوبیدن اسلام است (موحد و دیگران، ۱۳۹۱، ش ۱۷، ص ۱۳). در هر صورت باید قبول کرد که بنیادگرایی و خشونت در میان مسلمین وجود دارد و خصیصه پیکارجویی (همان) از ویژگی‌های بنیادگرای افراطی است.

۳. مهم‌ترین شاخصه‌های تمدن و تبیین عملکرد افراط‌گراها در این باره

الف) اتحاد اسلامی؛ فرقه‌گرایی افراط‌گراها

تمدن‌ها ساخته شده انسان‌ها هستند. جمعیت فراوان با اتحاد خود می‌توانند سازنده تمدن‌های قوی باشند. هرچه انسجام، اتحاد و یکرنگی بیشتر باشد، احتمال شکل‌گیری و رشد تمدن، بیشتر است. اسلام و قرآن کریم به این مسئله ذیل عنوان «امت واحده اسلامی» می‌نگرند. تا زمانی که مسلمانان به اشتراکات استنباطی پیرامون موقعیت جهانی دست نیابند و از طریق فکر و اندیشه و سپس روشمندان کار نکنند، تمدن اسلامی متولد نخواهد شد (عرفان و بیات، ۱۳۹۳، ش ۱۵، ص ۷). استعمال واژه و طرح «امت» برای گروهی از انسان‌ها که بر اساس دین و احکامی الهی و رهبری الهی متحد شده و

به تشکیل جامعه دینی با اهداف مشترک اقدام کرده‌اند، نخستین بار در قرآن مطرح شده است (همان). در فرهنگ اسلامی پیوند اساسی و مقدس آحاد ناس (که واژه‌های بس جزئی‌تر و عینی‌تر از کلمه انسان است)، بر پایه اشتراک در خون و نژاد، یا خاک و مرزهای جغرافیایی یا تجمع و اشتراک در یک مقصد و آرمان (به هرگونه که باشد)، یا همگونی در شکل کار و به‌کارگیری ابزار آن، یا تشابه در حیثیت‌های اجتماعی و نوع زندگی، یا همسنگری در مبارزه با دشمن مشترک، یا اشتراک در منافع طبقاتی نیست؛ اساسی‌ترین عامل وحدت و پیوند اجتماعی، حرکت مشترک ناس بر روی خط و در راه مشخصی است که آگاهانه در جهت مقصد معینی انتخاب کرده‌اند و رهبری مشترک، لازمه این نوع وحدت و پیوند اجتماعی است. از این‌رو دو واژه امام و امت در تحلیل نهایی دارای دو معنی متلازم و به تعبیر منطقی نسبی و متضایفین هستند (زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۹۳). خداوند متعال در سوره انبیاء می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛ و بی‌تردید این [اسلام] آیین [حقیقی] شماست؛ درحالی‌که آیینی یگانه است و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستید». لازمه امت واحد بودن، ترک مخاصمه‌هایی است که به ضرر اسلام است و موجب ضعف دین می‌گردد. به همین لحاظ قرآن تأکید می‌فرماید: «و [فرمان] خدا و پیامبرش را اطاعت کنید! و نزاع [و کشمکش] نکنید تا سست نشوید و قدرت [و شوکت] شما از میان نرود؛ و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است» (انفال: ۴۶).

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «امروزه فریاد دفاع از اتحاد امت اسلامی و بیداری اسلامی در دنیای اسلام و کشورهای مختلف و در میان ملل گوناگون انعکاس مطلوب و مثبتی داشته است... دل‌های آحاد امت اسلامی باید روز به روز به هم نزدیک شود و وسایل و ابزارهای تفرقه و اختلاف که به وسیله



دشمن بر ملت‌های مسلمان تحمیل شده است، نباید در فضای بیداری امروزه مسلمانان مؤثر افتد. مسلمین علی‌رغم بعد منطقه‌ای و جغرافیایی و اختلاف زبان و نژاد، باید با یکدیگر همدل، هم‌زبان، هم‌فکر و هم‌گام باشند و به سمت هدف‌های بزرگ اسلامی حرکت کنند» (بهنیا، ۱۳۹۱، ش ۳۴، ص ۱۸).

اصل وحدت و یکپارچگی که مورد تأیید اسلام است، نتیجه داشتن جهان‌بینی پویاست و عاملی مهم در پیشرفت اسلام، ایجاد امنیت، و در نتیجه تمدن‌سازی و شکوفایی آن محسوب می‌شود؛ به طوری که گوستاو لوبون فرانسوی، توحید و اجتماع مسلمانان تحت لوای آن را دلیل عمده پیشرفت و کامیابی مسلمانان می‌داند (تقی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۳، ش ۱۰۲، ص ۹).

در مقابل این اندیشه رشدیافته، افراط‌گرایان، به‌ویژه فرقه وهابیت و برخی از خودی‌ها، به دنبال ایجاد شکاف میان مسلمین و شکستن اتحاد آنها هستند. مفتیان وهابی با مشرک خواندن مسلمانان دیگر، به‌ویژه شیعیان، مهم‌ترین گام را برای دور کردن مسلمین از یکدیگر و شکستن اتحاد آنان برداشته‌اند. از طرف دیگر برخی از شیعیان نیز بدون توجه به مسائل کلان دنیای اسلام، با سخنان و حرکات تفرقه‌آمیز، باعث تشدید تنش میان مسلمین می‌گردند. مفتی بزرگ وهابی می‌گوید: «نماز به امامت زیدیه را صحیح نمی‌دانم؛ زیرا خصلت غالب در آنان این است که نسبت به اهل‌بیت غلو می‌کنند و انواع شرک را مرتکب می‌گردند؛ افزون بر اینکه نسبت به بعضی از صحابه عشق می‌ورزند و بدعت‌هایی را بروز می‌دهند و همچنین است وضع بقیه گروه‌های شیعه که امروز وجود دارند؛ مثل امامیه و گروه‌های دیگر...» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۰، ش ۳۳، ص ۵۰). آنها به همین حد اکتفا نمی‌کنند، بلکه به کفر شیعه فتوا می‌دهند و کشتن آنان را جایز می‌شمارند (همان). گروه‌های مختلف جهادی در کشورهای اسلامی، بر مبنای افکار افراط‌گرایان به وجود آمده‌اند که حتی کشتن برخی

از مسلمانان را واجب می‌دانند: «از نظر این گروه (سپاه صحابه)، مهم‌ترین وظیفه یک عضو، مبارزه با شیعه است» (جمالی، ۱۳۹۰، ص ۶۸).

تکفیری به گرایش گروهی از سلفیون گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر، مشرک و منافق می‌شمارند. منظور آنها از کافران، مسیحیان و یهودیان و در رأس آنها آمریکایی‌ها هستند که از آنها به عنوان دشمنان صلیبی یاد می‌کنند. مشرکان را نیز شیعیان می‌دانند؛ چون به زعم نادرست خویش، معتقدند شیعیان با احترام به قبور پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام برای خدا شریک قرار داده‌اند! منافقان را نیز پیروان اهل سنت قلمداد می‌کنند که با مرام و مسلک ایشان در جهان اسلام مخالف هستند. بنابراین حکومت‌های موجود در کشورهای عربی و اسلامی را نامشروع می‌دانند (باقری چوکامی، ۱۳۹۳، ش ۱۱، ص ۴).

شعار مشهور «تفرقه بینداز و حکومت کن» که گروه‌های افراطی اجرا می‌کنند، خواسته یا ناخواسته آلت دست تمدن‌هایی می‌شود که می‌خواهند تمدن اسلامی رشدی نداشته باشد.

آثار شوم تفرقه، جنگ، و افراط‌گرایی مسلمانان باعث دور شدن آنها از همدیگر و تنش‌های روزافزونی می‌گردد که نتیجه آن، شکست، نابسامانی اقتصادی، جنگ‌های داخلی و درنهایت، وابستگی کامل به بیگانگان است. مستندهای فراوانی وجود دارد که ابرقدرت‌ها، به ویژه آمریکا، به بنیادگرایان و افراطیون کمک‌های نظامی و مالی کرده‌اند (همان، ص ۸).

امنیت اسلامی؛ ایجاد ناامنی توسط افراط‌گراها

استقرار آرامش و امنیت در جامعه و ایمنی جان، مال و آبروی مردم از هرگونه آسیب و زیان، در زمره نخستین و مهم‌ترین بایسته‌های رشد و پیشرفت اجتماع است. از این رو قرآن حکیم، وجود امنیت و ثبات اجتماعی و





نبود ترس و وحشت را از شاخص‌های جامعه مطلوب و از نعمت‌های الهی بر مردم می‌داند. در مقابل، زوال و سلب امنیت، نشانه‌سراشویی و سقوط هر تمدنی است (سعیدی روشن، ۱۳۹۳، ش ۱۹، ص ۶). حضرت امیر مؤمنان در سخنی ارزشمند فرمودند: «شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقَطَّانُ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۵)؛ بدترین سرزمین‌ها برای سکونت، جایی است که ساکنانش امنیت ندارند».

روشن است که رشد اقتصادی، صنعتی و علمی، مرهون امنیت داخلی و خارجی است. امنیت باعث جذب سرمایه‌های ملی و فراملی می‌گردد. به همین لحاظ تأثیر مستقیمی بر رشد و پویایی تمدن دارد.

یکی از آثار ویرانگر افراط‌گرایی، ناامن کردن جامعه است. در هر کشوری که افراط‌گرایی به وجود آمده، ناامنی نیز بر آن مسلط شده است. تنها از سال ۲۰۰۱ - ۲۰۱۱ میلادی در پاکستان ۹۸۹ حمله تروریستی و انتحاری با ۷۸۷۷ کشته و زخمی گزارش شده است (محبوبی و دیگران، ۱۳۹۲، ش ۵، ص ۲۲). پیدایش ده‌ها فرقه افراط‌گرا در کشورهای اسلامی با خصیصه پیکارجویی و خشونت، باعث ناامنی بی‌پایانی شده که گریبان جامعه اسلامی را گرفته است. یکی از آثار محسوس ناامنی، مهاجرت نخبگان و دانشمندان اسلامی از کشورهای ناامن به کشورهای امن است. این فرار مغزها نیز تهدیدی جدی علیه تمدن اسلامی است.

از طرف دیگر، برخی از تمدن‌هایی که توانسته‌اند با قدرت و ثروت، فرهنگ خود را بر دیگران تحمیل کنند، برای جلوگیری از رشد تمدن اسلامی، به افراط‌گرایی و جنگ‌های مذهبی در میان مسلمین دامن می‌زنند. پشتیبانان جریان افراط و تکفیر برای این هدف (تمدن‌سوزی اسلام)، نوع جدیدی از نزاع و خشونت را در جهان اسلام بنیان نهادند که از آن به نزاع یا جنگ درون‌تمدنی یاد می‌شود. این اقدام راهبردی در واقع یادآور استراتژی دیوید بن گوریون،

اولین نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس است که معتقد بود «ما ملتی کوچک هستیم و امکانات و منابع ما اندک است و باید این خلأ را در برخورد خود با کشورهای عرب دشمن، از طریق شناختن نقاط ضعف آنها، به ویژه در زمینه روابط موجود بین گروه‌های نژادی و اقلیت‌های طایفه‌ای برطرف کنیم؛ به گونه‌ای که ما به آنها دامن بزیم تا نهایتاً به مشکلاتی تبدیل شود که حل یا مهار آنها برای این کشورها دشوار شود». (رضاخواه، ۱۳۹۲) شش سال پیش نیز سیمور هرش، روزنامه‌نگار آمریکایی در نشریه «نیویورکر» به همین استراتژی اشاره کرد و از تلاش دولت وقت آمریکا برای راه‌اندازی یک نزاع مذهبی در خاورمیانه پرده برداشت. در واقع استراتژیست‌های آمریکایی معتقدند همان‌گونه که اختلاف‌افکنی میان شوروی سابق و چین توانست برگ برنده واشنگتن در تقابل با بلوک شرق شود، نزاع درون‌تمدنی در قالب جنگ شیعه و سنی در خاورمیانه نیز می‌تواند مانع قدرت‌یابی یک بلوک مقتدر اسلامی در مقابل غرب باشد.

(ج) علم و تعقل اسلامی؛ دوری افراط‌گرایان از تعقل

توجه خاص دین اسلام به تعلم و تعقل موجب شد که مسلمانان به منابع و مراکز علمی ملل مجاور دست یابند و از طریق فتوحات با تمدن‌های پیشین آشنایی علمی و عینی گسترده‌ای پیدا کنند. در نتیجه بعدها شرایط مناسبی برای شکل‌گیری مدنیت جدید فراهم شد. به این ترتیب پایه اصلی علم و تمدن اسلامی، در خود اسلام و در محیطی بود که اسلام، آن را آماده و به آن سفارش و تشویق کرده بود (زرین‌کوب، ۱۸۳۱، ص ۲۸؛ تقی‌نیا، الهام). به تعبیر علامه طباطبایی «قرآن کریم پر است از آیاتی که مردم را تشویق و ترغیب به تفکر و تعقل و تذکر می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۰۱).



یکی از شاخص‌های تمدن اسلامی ارج نهادن به علم‌آموزی و عالمان است. بر همین اساس مسلمانان از هر گوشه دنیا علم و حکمت را فراگرفتند و چون مقلد صرف نبودند، به تکمیل آن پرداختند و در فرهنگ و آداب و رسوم بسیاری از جوامع دور و نزدیک، تأثیرگذار شدند. همان‌طور که آمده است، تمدن علمی و هنری و فرهنگی کشورهای اروپایی، برگرفته از دانش مسلمان‌هاست. مسلمانان، متخصص در زمینه‌های سیاست، ادبیات، جغرافیا، ریاضیات، هیأت، شیمی، فلسفه، طب، معماری و نظامی بودند و در واقع معلمان تمدن غرب محسوب می‌شدند (تق‌نیا و دیگران، ۱۳۹۳، ش ۱۰۲، ص ۱۷).

درحالی‌که دین و قرآن دستور به علم‌آموزی، تعقل و رشد علمی می‌دهد، افراط‌گرایان، عقل‌گریزند و به دستاوردهای اندیشه بشری با دید حقارت می‌نگرند. آنها فقط به ظواهر برخی از متون اکتفا می‌کنند و به همین علت به‌آسانی آلت دست استعمارگران می‌شوند: «قدرت‌های غربی با توجه به شناختی که از اندیشه‌های تکفیری و الگوهای عملی آنها داشته‌اند، می‌دانستند که تقویت این جریان در جهان اسلام نزاع تمدنی را می‌تواند به نفع تمدن لیبرالی رقم زند؛ زیرا این جریان به دلیل عقل‌گریزی، از عمق اندیشه‌ای کمی برخوردار بوده و توانایی ارائه راه‌حل و الگوی جایگزین برای نظام‌های موجود را ندارد و عملاً با اندیشه‌ای متحجر و همراه با بی‌توجهی به واقعیت‌های موجود جوامع و جهان معاصر، به ضدیت و چالش با کلیت تمدن بشری و اکثر پدیده‌های جدید برخاسته و چهره‌ای ضد تمدنی از خود نزد جهانیان تصویر می‌کند» (باقری چوکامی، ۱۳۹۳، ش ۱۱، ص ۲۱).

به عنوان نمونه در حوزه معرفت‌شناسی، عقاید داعش بر «نقل» استوار است و عقل را فاقد قدرت شناخت می‌دانند و در عوض معتقدند باید به کلام قرآن، احادیث و اجماع صحابه بدون اجتهاد توجه کرد. به عقیده آنان عقل،

انسان را از رسیدن به سعادت بازمی‌دارد و باعث گمراهی و تباهی می‌گردد و لذا هرآنچه را که در برابر نقل قرار دارد یا توسط آن توجیه نشده است، کنار می‌نهند و آن را از جلوه‌های جهل می‌پندارند که برای نمونه می‌توان به دستاوردهای نوین بشری اشاره داشت (حاتمی، ۱۳۹۴، ش ۳۰، ص ۸۱).

زندگی مسالمت آمیز اسلامی؛ ستیزه‌جویی افراط‌گرایان

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تمدن اسلامی و عامل رشد آن از بدو ظهورش تا به امروز، مدارا و رفق و سازش بوده است. در سیر تاریخی، ریشه اندیشه مدارا در اسلام به زمان ظهور این دین الهی بازمی‌گردد؛ به طوری که در آیات قرآن و سیره پیامبر اکرم و پیشوایان معصوم جلوه‌گری خاصی داشته است. زمینه این تسامح، بلندنظری و نداشتن تعصب، آیات قرآن کریم و روایات معصومان بود که بر رفق و مدارا با اهل کتاب و دیگر مسلمانان و مشرکان بی‌آزار تأکید داشتند و به اصطلاح در مسلمانان روحیه تساهل و تسامح در مقام علم‌آموزی و فراگیری به وجود آورد. از این رو درباره تمدن‌های پیشین موضع ویژه‌ای را اتخاذ کرد؛ بدین صورت که نه در مقابل آنها صف‌آرایی کرد و نه منفعل شد؛ بلکه به رفع نقاط منفی و جذب نقاط مثبت تمدن‌های دیگر پرداخت (تقی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۳، ش ۱۰۲، ص ۱۵) دکتر زرین‌کوب در این باره می‌گوید: «تمدن اسلامی نه تقلیدکننده صرف از فرهنگ‌های سابق بود و نه ادامه‌دهنده محض؛ بلکه ترکیب‌کننده بود و تکمیل‌سازنده» (زرین‌کوب، ۱۳۸۱، ص ۲۹). امام خمینی نیز فرموده‌اند: «روابط خارجی ما بر اساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است و بر این اساس با هر کشوری که مایل باشد، با احترام متقابل عمل می‌کنیم» (خمینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۸۰). یکی از دانشمندان اهل سنت می‌گوید: «فراخوان اسلام برای پدید آوردن



امتی متمایز و دارای اهداف و ارزش‌ها با راهکارهای مخصوص به خود، امتی که دارای رسالتی خاص با اصول و ارزش‌ها و ویژگی‌های خاص به خود می‌باشد، این‌گونه فهم نمی‌شود که اسلام دینی است که همه درها را بر روی خود می‌بندد، و مردم مسلمان تنها در اندیشه زندگی خویش‌اند و به تمام معنی به خود مشغول‌اند و به دیگر مردم اهمیت نمی‌دهند و کاری به صلاح و فساد و هدایت و گمراهی و پیشرفت و سقوط ایشان ندارند؛ به‌هیچ‌وجه چنین نیست؛ از همان آغاز طلوع فجر اسلام، رسالت آن، رسالتی جهانی و دعوتی برای همه بشریت و رحمتی برای انسان‌ها، اعم از عرب و عجم، و برای همه ممالک در شرق و غرب، و برای همه نژادها اعم از سیاه و سفید و ... بوده است» (قرضاوی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶).

قرآن کریم که به مثابه قانون اساسی اسلام است، در آیه هشتم سوره ممتحنه می‌فرماید: «خدا شما را از نیکی و عدالت درباره آنان که با شما به خاطر دین جنگیده‌اند و از سرزمیتان اخراجتان نکرده‌اند، باز نمی‌دارد؛ همانا خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند، دوست دارد. خدا شما را فقط از دوستی با کسانی نهی کرده که بر سر دین با شما جنگیدند و شما را از دیارتان بیرون کردند و از اخراجتان پشتیبانی کردند؛ و آنان که چنین کسانی را دوست بدارند، ستمکارند». در تفسیر این آیه گفته شده است: «این آیات، توضیحی است پیرامون آیه اول همین سوره که مؤمنان را از اینکه با دشمنان خدا، یعنی کافران، رابطه دوستی داشته باشند، نهی کرده است. در این آیه، کافران را به دو دسته غیرمحارب و محارب تقسیم می‌کند؛ گروه اول کافرانی هستند که با مؤمنان جنگ نکرده و در اخراج آنها از مکه شرکت نداشته‌اند. به همین دلیل خداوند نیکی کردن به آنها را اجازه داده و نسبت به آنها رعایت قسط و عدل را مجاز دانسته است؛ اما گروه دوم که از در جنگ با

مسلمانان درآمده و آنان را از مکه اخراج کرده‌اند، نه تنها شایستگی برخورداری از روابط حسنه را ندارند، بلکه سزاوار تنبیه نیز هستند» (جوادی، ۹۶/۶).

اسلام به تقویت روحیه دیگرپذیری و پذیرش انسان‌ها به عنوان هم‌نوع، توجه خاص کرده است. به همین علت خون هیچ‌کس را مباح نمی‌شمارد، مگر کسانی که علیه اسلام قیام مسلحانه کنند که با عنوان کافر حربی شناخته می‌شوند. امیر مؤمنان در دستوراتی که درباره کشورداری به مالک اشتر فرموده‌اند، بیان می‌دارند: «با همه مردم، با مهربانی و احترام و انسانیت رفتار کن؛ زیرا که آنان دو گروه‌اند: یا برادر اسلامی تو هستند، یا برابر انسانی تو» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

این در حالی است که افراط‌گراها تنها خود و اعتقاد خود را محترم می‌دانند و برای هیچ انسان و عقیده دیگری حرمت قائل نیستند. به همین علت است که همه را کافر می‌پندارند (غفاری هسجین و دیگران، ۱۳۹۳، ش ۱۱، ص ۹۲) و کشتن آنان را لازم. آنها حتی به مسلمین هم با دیده کفر می‌نگرند و حکم به کشتار بسیاری از مسلمین می‌دهند (باقری چوکامی، ۱۳۹۳، ش ۱۱، ص ۴). به عنوان مثال رهبر گروه «جیش محمد» رویکرد ضد‌هندی ضد‌آمریکایی دارد و معتقد است مسلمانان تا زمانی که هند و آمریکا را نابود نکرده‌اند، نباید آرام و ساکت بمانند (جمالی، ۱۳۹۰، ص ۸۲). همچنین «در تفکر دیوبندی طالبانی، جهان به دو بخش دارالحرب و دارالاسلام تقسیم می‌شود که در خارج از دارالاسلام جهاد واجب است» (همان، ص ۱۱۹). گروهی از افراطیون، مسلمانانی را که قائل به وجوب جهاد نباشند، کافر می‌دانند و برای آنها تفاوتی ندارد که شیعه باشند یا سنی (غفاری هسجین و دیگران، ۱۳۹۳، ش ۱۱، ص ۹۲). با توجه به گفتمان داعش و ایجاد «فقه التکفیر»، خشونت هسته اصلی این حرکت را تشکیل می‌دهد؛ به گونه‌ای که هر چیزی خارج از اعتقادات سلفی را کفر دانسته، به مبارزه با آن برمی‌خیزند





تا نابودش کنند و با این تصور که کشتن یک نفر کافر، آنها را به سعادت می‌رساند، کشتار کافران را مجاهدت فی سبیل الله می‌دانند (حاتمی، ۱۳۹۴، ش ۳۰، ص ۸۱). داعشیان با هر کسی که در سنگر آنها و هم‌عقیده آنها نیست، جهاد می‌کنند؛ از هر نژاد و ملتی که باشد. در این مبارزه، تنها وابستگی به این ایدئولوژی و فرقه، شاخص حق و باطل است و هیچ‌گونه همزیستی یا تحمل و بردباری در برابر مخالف پذیرفته نیست (نوریخس و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴، ش ۴۷، ص ۲۴۷). داعش تمام جهان را به دو قسمت «دار السلام» و «دار الحرب» تقسیم می‌کند و خارج از دار السلام را محل جنگ و ستیز می‌داند (توکلی، ۱۳۹۲، ش ۱۳، ص ۱۶۲).

به طور قاطع می‌توان ادعا کرد که این اندیشه نه تنها مانع رشد تمدن اسلامی، بلکه موجب تضعیف و فروپاشی آن می‌گردد؛ زیرا روشن است که هر تمدنی که بخواهد در جوامع بشری جایگاهی یابد و قدرت گیرد، باید با منطق گفت‌وگو و مهربانی وارد شود تا بتواند تمدن‌های دیگر را با خود آشنا سازد. آن گروهی که سر در گریبان خود داشته باشد و همه را از خود براند، چگونه می‌تواند تمدنی بسازد که انسان‌ها را به سوی خود جذب کند. یکی از رازهای پیروزی اسلام و جذب مردم عرب به اسلام، اخلاق نیکوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است؛ چنان‌که در قرآن کریم نیز آمده است: «به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم [و مهربان] شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند» (آل عمران: ۱۵۹). این رهنمود قرآنی مخصوص آن حضرت نیست، بلکه برای همه مسلمین است. اگر مسلمانان خشن و سنگدل باشند، مردم و جوامع از اطراف آنها پراکنده خواهند شد. ایدئولوژی وهابی از دو گرایش مرتبط به هم تشکیل شده است: اول، تکفیر تقریباً همه مسلمانان غیر وهابی؛ چه رسد به غیرمسلمانان؛ دوم، تغییر افراطی دنیا از طریق انجام دادن یکسری تهاجم‌ها که با هدف احیای امت اسلامی

صورت می‌گیرد (باقری چوکامی، ۱۳۹۳، ش ۱۱، ص ۶). این ایدئولوژی به جای آنکه بتواند موجب رشد تمدن اسلامی گردد، تیشه به ریشه اسلام خواهد بود. پس روش افراط‌گرایی که خلاف قرآن و سنت پیامبر اکرم نیز هست، موجب ضعف تمدن اسلامی و منفور شدن آن نزد دیگر جوامع می‌شود.

آموزه‌های مترقی دینی؛ اقدام افراط‌گراها به واژگون کردن این آموزه‌ها

هر تمدنی به وسیله آموزه‌هایش است که موجودیت، افکار و فرهنگ خود را به دیگر تمدن‌ها معرفی می‌کند و از این طریق در رقابت تمدن‌ها توانایی جلو افتادن را می‌یابد. اسلام آموزه‌هایی دارد که اگر به واقعیت آنها توجه شود و حقیقتشان مکشوف گردد، موجب بالندگی تمدن اسلامی و نشان افتخار آن خواهند شد. از جمله آموزه‌هایی که موجب رشد و پیشرفت اسلام گردیده است، آموزه «خلافت و رهبری»، «جهاد»، «شهادت» و «هجرت» بوده است. دین اسلام با این آموزه‌ها، در کمتر از نیم‌قرن چنان تمدنی ساخت که همه متفکران را به شگفت آورد؛ اما استفاده ناصحیح، تفسیر قشری، خشن و بی‌مغز افراط‌گراها از این آموزه‌ها باعث شده است آموزه‌هایی چون «جهاد» و «شهادت»، از منفورترین مفاهیم در دنیای جدید نزد انسان‌ها جلوه کند. به عنوان نمونه به آموزه «جهاد» اشاره می‌شود.

تبدیل جهاد به ترور

فلسفه جهاد در دین، زدودن موانع تبلیغ دین است. به همین لحاظ گفته شده: «مردم در همه اجتماعات، این حق را دارند که ندای منادیان راه حق را بشنوند و در قبول دعوت آنها آزاد باشند. حال اگر کسانی بخواهند آنها را از حق مشروعشان محروم سازند و اجازه ندهند صدای منادیان راه خدا به گوش جان آنها برسد و از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی آزاد



گردند، طرفداران این برنامه حق دارند برای فراهم ساختن این آزادی، از هر وسیله‌ای استفاده کنند و از اینجا ضرورت جهاد ابتدایی^{۱۱} در اسلام و سایر ادیان آسمانی روشن می‌گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷). پس معنای جهاد ابتدایی، شعله‌ور نگه داشتن آتش جنگ به طور دائم میان مسلمین و غیر مسلمین نیست (زنجانی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۳۷۹)؛ اما همین مفهوم مترقی، در نزد افراطیون، معنی ناصحیحی پیدا کرده است.

جهاد مفهومی کلیدی است که در نزد سلفیان جدید ابزار تحقق خلافت است. جهاد ممکن است آشکار یا نهان، مسلحانه یا غیرمسلحانه، به ایجاد حکومت یا خلافت اسلامی کمک کند. جهاد با مفاهیم قیام، اقامه دولت اسلامی، دارالاسلام و دارالحرب پیوند دارد. سلفیان جدید جهاد را به هر شکل و وسیله‌ای جایز می‌دانند. به عبارت دیگر انجام هر کاری به صورت قانونی و رسمی، یا غیررسمی و مخفیانه که با هدف مقابله با کفر و ایجاد دولت اسلامی باشد، جهاد تلقی می‌شود (نوربخش و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴، ش ۴۷، ص ۲۴۶). این گروه فقط به قتل کفایت نکرده و از سوزاندن انسان‌ها و حتی زنان و کودکان ابایی ندارد (همان، ص ۲۴۷)؛ درحالی‌که بر اساس آموزه‌های جهادی اسلام، کودکان و سالمندان و همچنین مردم غیرنظامی در همه حال باید در جنگ، در امان بمانند (ایزدی، ۱۳۸۶، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۸۰). در ایدئولوژی داعش، «جهاد» خشونت‌آمیز تنها نماد ایمان واقعی تلقی می‌شود. داعش در مجله «دابق» تأکید می‌کند که «اسلام دین جنگ است، نه صلح» (توکلی، ۱۳۹۳، ش ۲۳، ص ۱۶۲). آنها آنقدر پیش رفته‌اند که «جهاد» را به «ترور» و مجاهد را به «تروریسم» تبدیل کرده‌اند. ترور، به معنای ترس زیاد، بیم، هراس، خوف، وحشت، کشتن و از بین بردن مخالفان و ایجاد رعب و وحشت میان مردم (هاشمی، ۱۳۸۰، ش ۲۱، ص ۱۲۵)، در میان افراطی‌ها به عنوان افتخار مطرح است و هر گروه که ترور بیشتری داشته باشد، خود را برتر می‌پندارد.

۴. نتیجه گیری

با توجه به مطالب گفته شده نتایج ذیل به دست می آید:

۱. تمدن اسلامی با آموزه های مترقی خویش توانسته است تمدنی بزرگ به وجود آورد.
۲. مهم ترین آموزه های تمدن ساز اسلام عبارت اند از: ایجاد برادری و اتحاد میان همه اتباع خویش؛ دستور به تعقل و علم آموزی به همه مسلمانان، زندگی مسالمت آمیز با همه انسان های صلح جو، ایجاد روحیه ظلم ستیزی با فرهنگ جهاد و شهادت.
۳. افراط گرایی، چالشی مهم فرا روی تمدن اسلامی است که با اندیشه های تند برخی از علمای اسلامی و دسیسه استعمار غربی به صورت پروسه - پروژه ای در حال رشد است.
۴. افراط گراها با تکفیر مسلمانان، ایجاد ناامنی در کشورهای اسلامی، جنگ دائمی با غیرمسلمانان، دوری از علم و تعقل صحیح، و تبدیل جهاد و شهادت به ترور و انتحار، باعث عقب ماندگی و آسیب دیدگی تمدن اسلامی می شوند.
۵. بر اندیشمندان مسلمان لازم است با تبیین ابعاد خطر افراط گرایی، مانع جذب مسلمین، به ویژه جوانان، به افراط گراها شوند.

۵. فهرست منابع

- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمدبن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، ۱۵ جلد، چ ۳، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع / دار صادر، بیروت - لبنان.
- اکبری، مرتضی و فریدون رضایی، ۱۳۹۳، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)»، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ش ۵، پاییز و زمستان.
- ایزدی، هجرت و عنایت‌الله یزدانی، ۱۳۸۶، «تروریسم اسلامی: افسانه یا واقعیت»، مجله علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، ش ۳۹ و ۴۰، پاییز و زمستان.
- باقری چوکامی، سیامک، ۱۳۹۳، «ارزش ضدامنیتی جریان‌سازی افراط و تکفیر با تأکید بر تئوری جنگ تمدن‌ها»، پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، ش ۱۱، پاییز.
- بهشتی، احمد، ۱۳۹۳، «افراط‌گرایی، نقطه مقابل عقلانیت و شریعت»، عقل و دین، ش ۱۱، پاییز و زمستان.
- بهنیا، احمدرضا، ۱۳۹۱، «شاخصه‌های تمدن اسلامی و انطباق آن با مؤلفه‌های بیداری اسلامی»، پانزده خرداد، ش ۳۴، زمستان.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۷۰، «فتاوی تفرقه‌انگیز و هابیان همسو با خشم امریکا و اسرائیل از تقریب بین مسلمانان»، مجله مشکوة، ش ۳۳، زمستان.
- بیدالله‌خانی، آرش، حمید احمدی و مرتضی باقیان زارچی، ۱۳۹۰، «بازتاب سیل ۲۰۱۰ پاکستان بر افراط‌گرایی»، مجله مطالعات شبه‌قاره، ش ۹، زمستان.
- پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معارف قرآن، اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تهران، چهارم، ۱۳۸۷ ش
- تقی‌نیا، الهام، نصیرعلی صوفی و فرشته رستمی، ۱۳۹۳، «شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر آیات و روایات»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۱۰۲، پاییز.
- رضاخواه، علی‌رضا، ۱۳۹۲، «درباره‌ی شیوه‌های دشمن در تقابل با بیداری اسلامی و هویت‌یابی مسلمانان»، مندرج در وبگاه رسمی آیت‌الله خامنه‌ای.
- توکلی، سعید، ۱۳۹۳، «القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات»، آفاق امنیت، ش ۲۳، تابستان.
- جمالی، جواد، ۱۳۹۰، افراط‌گرایی در پاکستان، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- حاتمی، محمدرضا، ۱۳۹۴، «شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن»، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ش ۳۰.
- حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی، ۱۳۸۰ ش، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران.
- خمینی، سیدروح‌الله، بی‌تا، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌جا.



- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۴۲۱، فقه سیاسی (عمید)، ۳ جلد، چ ۴، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- سعیدی روشن، محمداقبر، ۱۳۹۳، «شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم»، آموزه‌های قرآنی، ش ۱۹، بهار و تابستان.
- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۱، «قرآن کریم و تمدن اسلامی: برنامه‌ها و معیارهای توسعه و پیشرفت تمدن‌سازی نوین اسلامی»، علوم قرآن و حدیث: کوثر، ش ۴۴، پاییز.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، چ ۵، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تهران.
- عرفان، امیرمحسن و علی بیات، ۱۳۹۳، «آموزه‌های امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۱۵، تابستان.
- غفاری هاشجین، زاهد و قدسی علیزاده سیلاب، ۱۳۹۳، «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی: داعش)»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش ۱۱، پاییز.
- قرضاوی، یوسف عبدالعزیز سلیمی، ۱۳۸۲ ش، قرآن منشور زندگی (ترجمه)، چ ۱، احسان، تهران.
- لیشی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ (للشی)، چ ۱، قم.
- محبوبی، قربانعلی، شهرداد شهوند، جعفر عظیم‌زاده، ۱۳۹۲، «حضور نیروهای نظامی خارجی در افغانستان و گسترش افراط‌گرایی فرقه‌ای در - پاکستان - ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰»، مطالعات جهان اسلام، ش ۵، بهار.
- محمدی، محمد، تابستان ۱۳۹۲، «رابطه تمدن و معنویت از نگاه قرآن، ادیان، مذاهب و عرفان»، هفت آسمان، ش ۵۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
- موحد، مجید؛ محمدرضا برومندزاده و حسن فخری‌زاده، تابستان ۱۳۹۱، «رویکردی جامعه‌شناختی بر بنیادگرایی یا افراط‌گرایی در ادیان»، علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، ش ۱۷.
- نوربخش، یونس و منصوره مهدی‌زاده، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، «ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی - اجتماعی گرایش به آن»، مطالعات جامعه‌شناختی، ش ۴۷.
- هاشمی، کامران، پاییز ۱۳۸۰، «حقوق اسلامی در تقابل با تروریسم بین‌المللی»، مجله راهبرد، ش ۲۱.

Extreme Islamism, Challenge of Islamic Civilization¹

Mohammad Hadi Heidari²

Abstract

Islam, with its progressive doctrines, created a great civilization that spread to the west and east of the world. The teachings such as Islamic alliance, science and intellect, peaceful life and the culture of jihad and martyrdom were the most important factors in the progress of Islamic civilization. But the extremism that is currently developing as a process is a major challenge of Islamic civilization. Extremists, with the tactful of Muslims, the creation of divisions, drought, the overthrow of the teachings of jihad and the martyrdom to the assassination and suicide, have made Islamic civilization at risk of weakness and backwardness. Therefore, it is necessary for the Islamic thinkers to prevent the extremists from attracting young people by explaining the dangerous dimensions of extremism.

Keywords: extremism, Islamic civilization, fundamentalism, characteristics of Islamic civilization

1. Received: 3/12/1395 Accepted: 23/12/1395

2. Ph.D. student, Institute of Humanities, mh_hadari110@yahoo.com

